

نقش افکار عمومی در پیشبرد اهداف کانون (قسمت دوم)

نویسنده : رضا مقصودی

ب) نقش صفات و خصوصیات اخلاقی وکلا

یکی از علل و عوامل اصلی و مؤثر در دوری و عقب ماندن وکالت از متن و بدنه اجتماع که روح این نهاد را همواره، آهسته و در انزوا خراشیده و در معرض آسیب قرار داده است، رشد و غلبه «تخصّص» و تبدیل شدن به یک «کاست» و طبقه خاص اجتماعی در این قشر بوده است. اساساً «تخصّص» با همه آثار و برکاتی که برای بشریت به ارمغان آورده و مواهبی که در رشته های مختلف برای رفاه و آرامش جامعه به همراه داشته، از این آفت همواره رنج برده که انسان را تک بعدی ساخته و از رشد و تکامل در جنبه های مختلف حیات انسانی باز می دارد. هر چه به گذشته برگردیم و در احوال اسلاف و بزرگانمان غور و مطالعه بیشتری نمائیم، در خواهیم یافت که سیر و سازندگی در جنبه های مختلف انسانی، بزرگی روح و علو طبع، جامع الاطراف بودن و تبحر و مهارت در صحنه های پرخطر زندگی، بیشتر و پرفروغ تر بوده است. «تخصّص» باعث نوعی نگاه تمایز گونه و گزینشی به انسانها شده که بر حسب مهارتی که صاحبش کسب کرده، او را سرطان گونه در همان جهت سوق و رشد می دهد. یک کفاح اول به کفاح شما نگاه می کند بعد به سایر جهات و خصوصیات شما. یک پزشک ابتدا وضع مزاحی و حالات سلامت و مرض شما در نظرش می آید و هکذا... حقوق و بالطبع وکالت نیز از این بلیه مصون نیست. یک وکیل بعد از چندی وکالت حرفه ای، نوعی نگاه خشک حقوقی و وکالتی به سایر جنبه های حیات حتی به لطیف ترین و پاک ترین عرصه های آفرینش پیدا کرده که چه بسا تطبیق و سازگاری وی را با محیط پیرامون تهدید نموده و آسیب پذیر سازد. شاید استقبال و عطش پایان ناپذیری که بعد از چندی در غالب دوستان به ادبیات عرفانی، شعر، و آموزه های تصوف و سخنان حکیمانه بزرگان به وجود می آید، به همین لحاظ و ناشی از همین خلأ باشد.

از سوی دیگر و در قاعده ای گسترده تر در خواهیم یافت که بطور کلی «واژه ها» و «عناوین» موجب تمایز و تفاوتند. نظام هستی بر اساس یگانگی و وحدت استوار است. همه موجودات و کائنات در سیر تکاملی خویش به سوی یگانگی و یک سوئی در حرکتند. هر «واژه» و عنوان و صفت نوعی تمایز و دوری از این یگانگی را به همراه دارد. این واژه ها و تمایزات در همه رشته ها و طبقات رفته رفته موجب نوعی برتری انگاری و حس تفوق و امتیاز در متصفین به آن صفات می گردد. این احساس برتری در ذهن و روح، چنانچه با سازندگی و مجاهدت مدیریت نشود، خود موجب نوعی خودشیفتگی و بالطبع تمایز در رفتار و تجلی و ظهور تصویر بیرونی آن احساس می گردد. در نتیجه، رفتار فرد در تعامل با اجتماع دچار آسیب شده و با کبر، منیت، نخوت، تفاخر و تبختر و حتی تفرعون در می آمیزد. این رفتار بمرور و ناخودآگاه به ملکه اخلاقی تبدیل می شود. لذا گفته اند: افکار ما عادت می سازد، عادات ملکه می آفرینند و ملکه در عادات موجب تجسم می گردد. یعنی شخصیت فرد مبتلا به آن عادت به همان شکل تجسم و بروز و ظهور خارجی می یابد.

برای همین، انداز و تنبیه به این مهم برای جامعه وکالت همواره ضروری و منشأ اثر است که یکی از آفات و بلیات که همواره ما را تهدید و بر خود می لرزاند، تخلیه نفس و روح از فضائل و سجایای اخلاقی و انسانی و تخلیه (حلول و جایگزین شدن) صفات مذموم و ردیله اخلاقی است. زیرا خطر رسوخ و غلبه ذمائم اخلاقی در طبقات ممتاز به نسبت بزرگی رسالتی که بعهده دارند، نمایان تر، بیشتر و فاجعه بارتر است.

از دیگر منظر، در همه ادوار فعالیت کانونها خاصه در شرائط حاضر که ارزشها و فضائل اخلاقی کم فروغ و اثر شده و آرامش و امنیت خاطر از روح و ذهن اجتماع رخت بسته است، ضرورت تجهیز به آداب و کدهای اخلاقی وکالت، پرورش فضائل و ملکات انسانی و احترام به عقائد و سنن جامعه؛ بیش از پیش احساس میشود. لذا در سه عنوان یادشده مطلب را پی می گیریم:

1- کد اخلاقی وکلا

آنچه تحت این عنوان یا عناوینی شبیه به آن چون: اخلاق حرفه ای وکالت، مسئولیت حرفه ای وکیل، منشور اخلاق حرفه ای وکیل دادگستری، مطرح میشود، تاکنون موضوع تألیف کتب، مقالات، خطابه ها و گفتارهای متعددی قرار گرفته است. بزرگان این رشته در این باره از ذکر ریزترین نکات و ظریف ترین دقائق نیز فروگذار نکرده اند. برخی تحت عناوین: خصوصیات رفتاری و مشخصات ظاهری، حفظ حرمت همکاران، حفظ حرمت حرفه، حفظ حرمت حق دفاع، حرمت صنف، آزدگی وکیل، بازخوانی سوگندنامه وکالت، ممنوعیت تبلیغ، وظایف در مقابل کارآموزان و شجاعت در وکالت، به بررسی و تنقیح و تفسیر هر یک پرداخته و آثار و تبعات نقض هر مورد را با نگاه به تجربیات عملی تشریح نموده اند. (1)

برخی دیگر نیز بدون لحاظ این تقسیم بندی به بحث و بررسی یک یا چند نکته از ظرائف اخلاق حرفه ای وکیل مانند تضمین نکردن نتیجه دعوی، لحاظ تخصص و دانش در پرونده مورد قبول، رعایت حرمت همکار، تلاش جهت صلح و سازش پرداخته و نیز از دیدگاه قضاوت نکات ارزنده ای در اختیار همکاران قرار داده اند. (2)

عده ای نیز از دریچه ای خاص و بسته به احساس ضرورت و اهمیت، یک موضوع را برگزیده و آنرا مورد شرح و بسط قرار داده اند. مانند: اخلاق حرفه ای - حفظ اسرار؛ یا ادعای داشتن نفوذ نزد قضات، یا نقش وکلای دادگستری در تشویق سازش و داوری یا علم و تقوی در دعوی.

اما شاید کامل ترین و بهترین تقسیم بندی در این زمینه را مرحوم محمود سرشار در مجله کانون وکلا در آبان 1327 تحت نام «کد اخلاقی وکلا» به انجام رسانده که گذشت زمان نیز، از تازگی و ارزش مطالب آن چیزی نکاسته و می تواند ملاک رفتار وکلا در هر عصر و نسل و هر زمان و زمینی قرار گیرد. این اثر که به شرح مقدمه آن، طرحی پیشنهادی است که از طرف یکی از وکلا مکزیکی در کنگره عمومی که در واشنگتن تشکیل شده بود، تقدیم مجمع شده و پس از شور و مذاقه گزارش آن در کمیسیون مربوطه تنظیم و جزو دستور مجمع عمومی کنگره وکلا قرار گرفت.

در این مقاله وظائف حرفه ای وکیل در ارتباط با شئون وکالت و حیثیات شغلی، روابط وکیل با دادگاهها و مقامات دیگر، در رابطه وکیل با موکلین خود و بالأخره در روابط وکیل با همکاران خود و تعارض عقائد و افکار و اختلاف نظر آنان؛ مورد بحث و بسط قرار گرفته است. (3)

وجه مشترک همه این تلاشها پی ریزی و ایجاد استانداردهائی اخلاقی جهت اشتغال به شغل منبع وکالت بوده است. این اوصاف و ویژگیها که با لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و آئین نامه آن ناظر بر رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا تضمین شده است، بدان جهت واجد اهمیت و ضرورتند که اعتماد جامعه را به نهاد وکالت تثبیت و احیا کرده، وکالت را از هدم و هلاک و فساد و تباهی مصون و شأن این حرفه خطیر را در طول رسالت پر فراز و نشیب خویش حفظ و صیانت کرده است. دانستن این قواعد و رسوم (اخلاق نظری) و عمل، تقیّد و بکار بستن آن (اخلاق عملی)، وکیل را در جایگاه حقیقی خویش نشانده و اعتبار و حیثیت و شئون حرفه ای این شغل را حفظ خواهد کرد.

(2) - پرورش فضائل و ملکات انسانی

آنچه در موضوع قبل بدان پرداخته شد، صفات و ارزشهائی است که در ارتباط با حرفه وکالت و به مناسبت اشتغال بدان، ضروری و حیاتی است. اما وکیل نقش و جایگاه دیگری در اجتماع داشته که فارغ از اشتغال به وکالت، اتصاف وی به این صفت، وی را در موقعیتی قرار داده که بعنوان یک انسان مسئول نسبت به سرنوشت اجتماع و انسانها بی تفاوت نباشد تا آنجا که برای امنیت مردم دغدغه خویش، برای آرامش ایشان تشویش خود، برای آزادی آنان اسارت خویش و برای حیانتشان مرگ خود را انتخاب کرده و در اصلاح امور جامعه بکوشد. این نقش اصلاح گری، فصل ممیّز وکالت از دیگر مشاغل و صنوف هم ترازش می باشد. حتی شغل شریف قضاوت نیز این نقش و اثر را به لحاظ برخی تمایزات با وکالت به تمام و کمال ندارد. آنچه در این سرفصل مورد نظر است بیشتر ناظر بر اخلاق عملی و تقیّد به صفات والای انسانی و ارزشی است که مرحله ای بالاتر از کد اخلاقی وکالت است و نوعی مجاهدت، مناعت طبع و کرامت نفس را می طلبد.

- تجلی این قسم صفات والا و کریمه است که روحی بزرگ و شخصیتی ممتاز چون مرحوم محمود سرشار می آفریند تا با آن درجه از معرفت و دانش (4)؛ "... اقدام به تأسیس کلاس اکابر برای خدمت به هموطنان خود بنماید و از وزیر معارف وقت اجازه گرفته، یکی از دبستانهای دولتی را تبدیل به کلاس شبانه نموده و مدت مدیدی از این طریق به فرهنگ خدمت نماید و شاگردان و جوانانی دانشمند به جامعه تحویل دهد..."

"... نیز در مقام دادستانی حوزه قضائی شهرستان سمنان، برای خدمت به جوانان آن شهرستان کلاس شبانه تأسیس نمود و در قسمت پسران خود ایشان شخصا و در قسمت دختران خانم فاضل و دانشمند ایشان تدریس میکردند و خود میگفت بهترین یادگار دوران خدمت من در عدلیه سمنان همانا تعلیم و تربیت جوانانی است که آنانرا چون فرزندان خود عزیز میداشتم. علاوه بر تعلیم و تدریس موجبات وسائل ورزشهای جدید را هم برای این نوجوانان فراهم ساخت که هنوز هم پس از سی سال مردم سمنان یادگار ذقیمت و آثار ارزنده آن مرحوم را فراموش نکرده و همیشه نسبت باو حوق شناس بوده اند... و نیز با تأسیس کانون هدایت افکار به مدت سیزده سال متوالی از سال 1321 تا 1334 تمام ایام سه شنبه بعد از ظهر از طرف دانشمندان و اساتید و وکلاء دادگستری و وزراء و کلیه طبقات مردم و شئون مختلف سخنرانیهای جامعی ترتیب می داد که در واقع یک کلاس عالی و مورد استفاده برای تمام مردم بود..." (5)

«... مرحوم سرشار وقتی کانون وکلاء تشکیل شد این مسئله معاضدت قضائی را وجه همت خودش قرار داد. معاضدت قضائی کاری نیست که در آن آب و نانی باشد. جز همت و خدمت هیچ چیز نیست. در آنجا در ابتدای تشکیل کانون وکلاء این مرد نازنین چهار سال تمام وقت خودش را صرف بوجود آوردن، اداره کردن، رسیدگی به کار مردم بی بضاعت و درمانده نمود. میرفت اطباء را التماس می کرد، خواهش می کرد اشخاصی که مریض بودند و بکانون وکلاء برای کارهای قضائی مراجعه می کردند برای معاضدت قضائی بآنها کمک شود و سی و چهل نفر از اطباء شریف و بنام مملکت قبول کرده بودند

سالی چندین صد نفر از مردم بیچاره‌ای که به کاخ دادگستری برای عدالت می‌آمدند، دوا و معالجه آنها را هم مرحوم سرشار پیش اطباء خصوصی در بیمارستانهای خصوصی تأمین و طوری با مردم رفتار می‌کرد که هیچ پدری با پسر خودش این‌طور با عطف و مهربانی رفتار نمی‌کند. حقیقتاً نمونه‌ای بود.» (6)

- پایبندی به اخلاق حسنه، شریعت و احکام اسلامی باعث شد شخصی مانند آقا شیخ رضا ملکی با آن حافظه نیرومند و شیوایی و فصاحت بیان عالی که در بسیاری از محاکمات جنجالی و تاریخی رجال و مشاهیر صده اخیر ایران شرکت داشت، بیشتر درآمدهای حاصل از حق الوکاله را صرف امور خیریه و عام المنفعه نماید و از محبوبیت خاصی بین مردم برخوردار شود.

- اعتقاد و عمل به اخلاق حرفه‌ای و پاکی نفس شخصیتی مانند مرحوم علی اکبر طه تربیت نمود که معتقد بود: «وکالت، وجدان، رأفت، صداقت و حق و ناحق نکردن می‌خواهد.»

- و به همین سیاق ورق بزیند سرگذشت دهها شخصیت ممتاز از مفاخر وکالت از گاندی و مصدق گرفته تا دکتر ابوالقاسم تقضلی در نامه‌ای که حکم رنجنامه دارد. و نیز سید علی هاشمیان، محمد روستائی اشتهاردی، سید هاشم وکیل، ابراهیم شفیعی نسب لنگرودی، سید احمد شریعت زاده و... همه از چشمه زلال معرفت نوشیدند و فن وکالت را با اخلاق قرین نموده و از آن معجون خدمت به اجتماع ساختند.

از زاویه‌ای دیگر و برای اثبات تأثیر صفات و سجایای اخلاقی در جلب قلوب، عزتمندی و کسب محبوبیت بین مردم بهترین شاهد مثال، مصداق اتم و اکمل مکارم الاخلاق رسول مکرّم اسلام (ص) می‌باشد که با حسن خلق، تواضع و نرم‌خویی، خوش رفتاری، بردباری، گذشت، احسان، مهربانی و دلسوزی و بوسیله خدمت کردن به مردم و برآورده کردن نیاز هایشان، جود و بخشش، رعایت حال مردم و دوری از زخارف دنیا و دل نیستن بدان، آنچنان قلوب سخت و قسی اعراب جاهلی را در بارش اخلاق کریمانه و رحمانی اش نرم و ملایم کرد که از زمین شوره زار و عفن جاهلی، معطرترین گلها و ارزنده ترین گوه‌های انسانی و اخلاقی پدیدار شد و رشد و نمو یافت. چنان که این صفات مورد تکریم در قرآن نیز قرار گرفت: «به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوشخوی و مهربان هستی. اگر تند خو و سخت دل می بودی از گرد تو پراکنده می شدند. پس بر آنها ببخشای و برایشان آمرزش بخواه...» (7)

به مناسبت این موضوع و برای نشان دادن تأثیر اخلاق فضیله در تألیف قلوب، به نمونه‌ای از دریای اخلاق کریمه رسول خوبها بسنده کنیم:

- در حدود سال دهم هجرت که برو و بیا زیاد است و شهرت پیغمبر در همه جا پیچیده است یک عرب بیابانی می‌آید خدمت پیغمبر. وقتی که می‌خواهد با پیغمبر حرف بزند، روی آن چیزهایی که شنیده رعب پیغمبر او را می‌گیرد، زبانش به لکنت می‌افتد. پیغمبر ناراحت می‌شود: از دیدن من زبانش به لکنت افتاد؟! فوراً او را در بغل می‌گیرد و می‌فشارد که بدنش بدن او را لمس بکند: برادر! هون علیک. آسان بگو، از چه می‌ترسی؟ من از آن جبارهای که تو خیال کرده‌ای نیستم: لست بملک. من پسر آن زنی هستم که با دست خودش از پستان بز شیر می‌دوشید. من مثل برادر تو هستم، هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو.

در پایان این بخش، از ادبیات عرفانی و تصوف ایران که تبلور ایده‌ها و معارف اخلاقی و کریمانه است الهام گرفته و از زبان عطار در تذکرة الاولیاء حکایتی تکان دهنده از بایزید بسطامی نقل می‌کنیم تا بخصوص در نعت تواضع و افتادگی و مذمت کبر، خودپسندی و منیت که سرمنشأ بسیاری از خطایا و لغزشهای دیگر و موجب دوری از برکات و مواهب هستی است، حسن ختامی بر این بخش باشد:

«نقل است که [بایزید بسطامی] یک روز می‌گذشت، با جماعتی در تنگنای راهی افتاد و سگی آمد. بایزید بازگشت و راه بر سگ ایثار کرد تا سگ را باز نباید گشت. مگر این خاطر به طریق انکار بر مردی گذشت که حق تعالی آدمی را مکرّم گردانیده است و بایزید سلطان العارفين است با این همه پایگاه و جماعتی مریدان راه را بر سگی ایثار کند و باز گردد! این چگونه بود؟» شیخ گفت: «ای جوانمرد! این سگ به زبان حال با بایزید گفت: "در سبق السبق [عهد ازل] از من چه تقصیر در وجود آمده است؟ و از تو چه توفیر حاصل شده است که پوستی از سگی در من پوشیدند و خلعت سلطان العارفين در سر تو افگندند؟" این اندیشه بر سر ما در آمد، راه بر او ایثار کردم.» (8)

پایان قسمت دوم

منابع و پی‌نوشتها:

(2)- اخلاق حر فه ای - کیومرث سپهری- رییس کانون کرمانشاه؛ (سایت راه مقصود)

(سایت راه مقصود) (3) - کد اخلاقی وکلا، دکتر محمود سرشار؛ مجله کانون وکلا- شماره 6

(4)- فارغ از وظیفه مضیق و محدود و کاسبکارانه وکالتی که در ذهن برخی از ما نقش بسته است و از شأن و جاهت تفسیری ارائه نمودیم که شخصیت تصنعی ایجاد کرده، رعایت شأن و جاهت وکالت را با ادا و اطوارهای تصنعی و تظاهرات (ظواهر) فریبنده مشتبه گرفته، به قسمی که نه تنها شأن وکالت را مرعی نداشته، بلکه این رفتارها موجب دوری از مردم و فراموشی مسئولیت های انسانی شده و ما را در پیله ای تنیده بدور خود محبوس ساخته است .

(5) - مقاله با عنوان «مختصری از شرح حال مردی که حیات خود را وقف خدمت به جامعه نمود» مجله کانون وکلا- فروردین و اردیبهشت 1343 - شماره 89 (سایت راه مقصود)

(6)- بیانات شادروان خلعت بری در مجلس یادبود مرحوم سرشار- مجله کانون وکلا- خرداد و تیر 1343 (سایت راه مقصود)

(7) - محبت رمز نفوذ پیامبر (ص) در میان مردم: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (159- آل عمران)

(8)- تذکرة الاولیاء و دفتر روشنایی